گزارش طبقه‌بندی نظريات و اقوال انديشمندان مسلمان درباره اختيار

26 مرداد 1396

تعداد 77 منبع شناسايي شد كه پس از بررسي‌هاي دقيق‌تر، تعداد 73 عدد از كتاب‌ها انتخاب شده و مورد بررسي قرار گرفتند. تمامي مطالب استخراج شده از اين كتاب‌ها را مي‌شود در سه سرشاخه قرار داد: تعريف اختيار، براهين اختيار و تاريخچه بحث از اختيار.

# تعريف اختيار

پس از بررسي تعاريف ارائه شده، مشاهده گرديد كه از پنج نوع تعريفي كه براي اختيار يافت گرديده، يكي از آن‌ها جنبه نظري دارد و در مقوله احكام عقل نظري واقع مي‌شود و چهار مورد ديگر بيشتر متوجّه رفتار و عمل انسان است.

## تعريف نظري

### اختيار به معناي امكان در مقابل ضرورت

وقتي كه از اختيار انسان به عنوان يك ممكن الوجود صحبت مي‌شود، صرفاً تساوي نسبت اختيار با دو طرف فعل و ترك فعل سنجيده مي‌شود. بنابراين با نفي ضرورت وجود هر دو طرف، اختيار تعريف مي‌گردد.

## تعريف عملي

### اختيار به معناي انتخاب

بيشتر منابع مورد بررسي اختيار را «انتخاب» معنا كرده‌اند. قوّه‌اي در نفس انسان كه مي‌تواند بين گزينه فعل يا ترك فعل، يكي را برگزيند و اراده كند. حجم تعاريف مبتني بر انتخاب بيشترين تعداد فيش را به خود اختصاص مي‌دهد.

### اختيار به معناي طلب خير

پاره‌اي از منابع توجه به معناي لغوي «اختيار» نموده‌اند و آن را به طلب خير معنا كرده‌اند. اين‌كه انسان يكي از دو طرف فعل يا ترك فعل را مي‌پسندد و به دليل آن‌كه خير مي‌داند اراده مي‌كند.

### اختيار در مقابل اجبار

تعاريف عملگرايانه‌تر اختيار را قدرتي در انسان دانسته‌اند كه در صورت فقدان جبر عمل مي‌كند. در اين‌جا جبر به معناي امري قهري و خارج از توان انسان براي تغيير است.

### اختيار در مقابل اكراه

نوع ديگري از جبر با عنوان اكراه شناخته مي‌شود. در اين حالت اختيار فرد سلب نشده، ولي به خاطر فشاري كه از بيرون يا درون به وي مي‌آيد، اراده مي‌نمايد به فعل يا ترك فعل. اين نيز يك تعريف ديگر براي فعل اختياري‌ست كه بيشتر جنبه كاربردي در علم فقه دارد، جايي كه فعل اختياري ممكن نباشد، مانند: وضو و به ناگزير به فعل اضطراري رجوع شود، مانند: تيمم.

#### اكراه بيروني

##### امر و نهي موالي و صاحبان قدرت

گاهي اكراه ناشي از فشار بيروني‌ست كه تعريف اين نوع اختيار در اين بخش قرار مي‌گيرد. اين‌كه فرد مختار باشد به معناي آزادي از امر و نهي تلقّي گردد.

#### اكراه دروني

##### اميال و خواهش‌هاي نفساني

و گاهي اختيار به معناي آزادي فرد از اميال نفساني‌ست. جايي‌كه فشار و جبر ناشي از خواسته‌ها و مطالبات دروني انسان باشد.

# براهين اختيار

مخالفين اختيار براهيني براي ادعاي خود ذكر كرده‌اند. بررسي منابع مورد مطالعه نشان داد كه شانزده دليل و برهان مورد توجه بوده و ذكر گرديده است. پاسخ نقد و نقض اين ادله نيز در ذيل هر عنوان ذكر شده است.

## ادله نفي اختيار

### رابطه عليّت

رابطه عليت يكي از مهم‌ترين براهين براي نفي اختيار است. زيرا مادامي كه معتقد باشيم تمامي ممكنات نياز به علّت دارند تا موجود شوند، پس اراده انسان بر عمل نيز علتي دارد، به نحوي كه اگر علّت باشد، اراده موجود مي‌گردد و اگر نباشد، اراده محقق نمي‌شود. بنابراين اختيار انسان جايي در هستي پيدا نمي‌كند. در ادامه اين برهان به برهان ترجيح بلامرجح پيوند مي‌خورد كه در بخش مربوطه ذكر خواهد شد. پاسخ‌ها به اين اشكال معمولاً معطوف به اين نكته مهم است كه «اختيار» جزئي از علّت تامه براي تحقق فعل است و بنابراين نفي رابطه عليت لازم نيامده و مي‌شود هم قائل به اختيار بود و هم عليت. البته مرحوم خوئي و شهيد صدر به اين پاسخ اشكال كرده و نظريه جديدي تحت عنوان سلطنت طرح مي‌كنند كه در بخش مربوطه ذكر شده است.

#### امكان و فقر ذاتي معلول نسبت به علّت خود

بخشي از اشكال رابطه عليت متوجّه فقر انسان نسبت به واجب‌الوجود است. در نتيجه تمامي افعال انسان نياز به وجوب دارند تا موجود گردند و اين وجوب خارج از اختيار انسان خواهد بود. پاسخ اين برهان نيز بيشتر متوجّه به عدم تنافي «اختيار جبري» با «جبر نافي اختيار» است. يعني اين‌كه اگر چه انسان مجبور است اختيار داشته باشد، ولي اين نفي نمي‌كند كه در اعمال خود داراي اختيار مي‌باشد!

### علم ازلي خداوند بر افعال بندگان

بسياري از مخالفين اختيار به شعري از بزرگي استناد كرده‌اند كه چون خداوند علم ازلي دارد به معاصي انسان، پس اگر او اين معاصي را ترك كند، علم خداوند بدل به جهل مي‌گردد و چون تالي فاسد است، مقدّم فاسد شده، اختيار از انسان سلب مي‌شود. پاسخ داده مي‌شود كه معلوم تبعيّت از علم ندارد، بلكه علم تابع معلوم است، پس علم خداوند سبب مجبور بودن انسان به فعل خاصّي نيست. در اين زمينه مثال‌هايي هم ذكر مي‌شود، مانند: مثال به معلمي كه علم دارد از نتيجه امتحان دانش‌آموز.

### اراده ازلي خداوند بر صدور فعل از عباد

مخالفين اختيار دليل آورده‌اند كه انسان ممكن است و اراده او نيز ممكن، پس تمام افعال او ناگزير بايد به اراده خداوند پديد آيد. و اين به معناي نفي اختيار انسان است. چون اشكال عبارت اخراي همان بحث فقر ذاتي در رابطه علّت و معلول است، پاسخ‌ها نيز معمولاً مشابه هستند.

### عدم علم تفصيلي فرد به افعال خود

بعضي اشكال كرده‌اند كه اگر انسان خود علّت فعل خود بود، پس مي‌بايست علم تفصلي به افعال خود مي‌داشت و چون تالي فاسد است، نتيجه مي‌گيرند كه انسان خالق افعال خود نيست. عجيب اين‌كه اين عبارت در كلام اصحاب ما نيز ديده مي‌شود و اختصاصي به اهل سنّت و جماعت ندارد!

### توحيد افعالي و ادله نقلي بر نسبت دادن افعال بندگان به خدا

يكي از مفصل‌ترين بحث‌ها در منابع مورد بررسي مربوط به اين بخش است. توحيد افعالي بزرگ‌ترين چالش در بحث اختيار است. زيرا متكلمين تلاش مي‌كنند از يك سو وحدانيت خداوند را ثابت كنند و از سوي ديگر اختيار انسان را تا ثواب و عقاب با مانع روبه‌رو نگردد. حتي اصوليون نيز به ضرورت بحث از عقاب، وارد اين بحث شده‌اند و مرحوم آخوند خراساني سنگ بنايي را در اين بحث گذاشته كه فقهاي پس از خود را ناگزير به تعرّض به اين بحث در علم اصول فقه نموده است. خصوصاً اين‌كه ايشان نمي‌تواند پاسخ قابل قبولي به اين شبهه بدهد و از آن عبور مي‌كند. پاسخ‌هاي بسيار متعددي به اين شبهه داده شده است.

### روايات طينت و كيفيّت خلقت بشر

مرحوم آخوند در ادامه بحث از توحيد افعالي تلاش مي‌نمايد تا با بازگرداندن بحث عقاب و معصيت در انسان به طينت او و اين‌كه فقط شقي مرتكب معصيت مي‌شود، پاسخي براي اين شبهه بيابد كه در عمل شبهه جديدي را دامن مي‌زند و آن نيز منافات داشتن شقاوت و سعادت ذاتي انسان با عدالت الهي‌ست.

### استناد هدايت و ضلالت بندگان به خداوند

مدعيان جبر آياتي از قرآن را ذكر مي‌كنند كه خداوند هدايت و ضلالت بندگان را به خود نسبت مي‌دهد. بيشتر پاسخ‌ها معطوف به فراهم شدن زمينه‌هاي هدايت براي بندگان از سوي خداوند است.

### قضا و قدر

ادعاي نفي اختيار انسان با توجه به تعارض آن با ادله اثبات قضا و قدر در اين بخش ذكر شده است. پاسخ‌ها با كمك رواياتي كه حقيقت قضاوقدر را توضيح مي‌دهند، اين تعارض را برطرف مي‌نمايند.

### علل و مبادي غيراختياري در فعل

اراده انسان نيازمند عواملي‌ست كه آن عوامل اختياري نيستند. بنابراين مدعي جبر تلاش مي‌نمايد ثابت كند كه انسان اختيار ندارد. پاسخي كه در منابع مورد بررسي يافت شد توجه دادن به اين نكته است كه اختيار نيز يكي از اجزاي علّت تامه است و در كنار ساير علل قرار مي‌گيرد و نه در طول آن‌ها تا جبري شود.

### معلول علم بودن اراده

يكي از عوامل مؤثّر در تحقق اراده، علم انسان است. مدعي جبر اصرار دارد كه اراده معلول علم است، بنابراين انسان اختياري از خود ندارد و آگاهي‌هاي اوست كه فعلش را رقم مي‌زند. پاسخ اين است كه اراده علّت‌هاي ناقصه متعدّد دارد كه در كنار هم تامه شده و آن را محقق مي‌سازند و علم تنها يكي از اين علل است و نه تمام آن.

### به تسلسل منجر شدن در صورت اختياري بودن اراده

اشكال علل و مبادي غيراختياري در فعل به اين‌جا منجر مي‌شود كه چون از اختيار و اراده بحث مي‌كنيم، خود آن اگر ممكن است و فعل انساني، پس بايد اختياري باشد! يعني هر اختياري بايد اختياري در پس خود داشته باشد و چون اين ناممكن است، پس اختيار اساساً منتفي‌ست. در بيشتر منابع به اين نكته اشاره شده است كه اختيار ذاتي اختيار است و نيازي به اختيار يا اراده‌اي ديگر براي تحقق خود ندارد.

### ترجيح بلامرجّح بودن فعل اختياري

هنگامي كه به مدعيان جبر اشكال مي‌شود كه در اراده عليت جاري نيست، اشكال را به سوي ترجيح بلامرجح باز مي‌گردانند كه پس اگر اراده به فعل يا ترك فعلي تعلق گرفت، با توجه به اين‌كه ممكن‌الوجود بوده است و ممكن‌الوجود متساوي‌النسبة است به وجود و عدم، بنابراين خروجش از اين تساوي ترجيحي بلامرجح است و اين در فلسفه اثبات شده كه محال مي‌باشد. به اين اشكال پاسخ داده شده است به اين‌كه ممكنات بر دو دسته‌اند و دسته‌اي كه اختيار در آن‌ها عمل مي‌كند مشمول قاعده امتناع ترجيح بلامرجح نمي‌باشند. بعضي نيز پاسخ داده‌اند كه اراده خودش مرجح است و طرفي را كه محقق مي‌سازد بر طرف ديگر ترجيح مي‌دهد.

### امتناع اجتماع دو اراده بر امر واحد

در ادامه بحث از توحيد افعالي، اين اشكال طرح مي‌گردد كه اگر انسان در افعال خود اراده و اختيار داشته باشد، چون خداوند نيز اراده و اختيار دارد، پس دو اراده در فعل واحدي جمع شده‌اند و اين از نظر فلسفي ممتنع است. پاسخ داده مي‌شود به در طول هم بودن دو اراده و نه در عرض هم.

### عدم قدرت بر تكرار اعمال

مدعي جبر مي‌گويد اگر انسان با اختيار خود فعلي را صادر مي‌نمايد، پس هر زمان كه اراده كند بايد بتواند دوباره همان فعل را عيناً صادر نمايد. در حالي كه مي‌دانيم عادتاً انسان قادر نيست افعالي كاملاً مشابه انجام دهد. بعضي پاسخ داده‌اند كه جنبه تكرار در افعال انسان وجود دارد، ولي محدود به آن مقداري از فعل كه انسان اراده مي‌كند و آن بخشي كه مدعي متفاوت مي‌بيند اموري خارج از اراده انسان بوده‌اند، لذا متفاوت شده‌اند.

### امتناع حدوث بواسطه حادث

مي‌گويند اگر انسان حادث است، چطور مي‌تواند خودش چيزي را حادث نمايد. يعني ممكن الوجود كه نمي‌تواند ممكن الوجود ديگري را واجب نمايد، زيرا فاقد شيء نمي‌تواند معطي آن باشد. پاسخ داده شده كه انسان سبب حدوث نمي‌گردد و از عدم به وجود نمي‌آورد، بلكه در ذات و ماهيت آن تصرف كرده و تغيير ايجاد مي‌نمايد.

## ادله اثبات اختيار

بسياري از ادله اثبات اختيار در ضمن همان بحث پاسخگويي به شبهات مدعيان جبر طرح شده است. ولي بعضي ادله نيز به صورت مستقل قابل توجه بودند كه مشتمل بر ده عنوان مي‌گردند.

### ثواب و عقاب

اگر انسان اختيار نداشت، ثواب و عقاب او توجيهي نداشت و مدح و ذم نيز بلاوجه بود.

### منافات جبر با عدالت

به رواياتي استناد مي‌گردد كه خداوند را عادل‌تر از آن مي‌دانند كه بخواهد انسان غيرمختار را عقوبت كند.

### امر و نهي

تنها موجودي قابليت امر و نهي را دارد كه داراي اختيار باشد.

### پشيماني بر فعل

همين‌كه انسان‌ها بر اشتباهات خود پشيمان مي‌گردند نشان از اختيار آن‌ها دارد. به رواياتي نيز استناد مي‌شود كه دال بر پشيماني انبياء بوده است، يا حسرت و پشيماني گناهكاران پس از حشر.

### احساس لذّت

بعضي اشاره كرده‌اند كه اگر انسان اختيار نداشت از افعال خود لذّت نمي‌برد و ميل به آن‌ها پيدا نمي‌كرد.

### احساس فرق بين حركات ارتعاشي و ارادي

اين مثال را بسياري از منابع مورد توجه قرار داده‌اند و در حقيقت بخشي از استناد وجداني براي اختيار است.

### درك وجداني

به صورت مصرّح در بسياري از منابع مورد بررسي به وجدان استناد شده است؛ اين‌كه هر شخص اگر به وجدان خود رجوع كند متوجّه مي‌شود كه داراي اختيار است.

### مستثني بودن سلطنت فرد بر افعال خود از رابطه عليّت

اين نظريه را ظاهراً براي نخستين بار مرحوم خويي طرح فرموده‌اند. سپس در مباحث شهيد صدر به صورت مفصل پرداخته شده و در دو تقرير از درس‌هاي ايشان بيان گرديده است. اين نظريه مدعي‌ست كه رابطه عليت انحصار در روابط هستي ندارد و يك نوع رابطه ديگر به نام «سلطنت» نيز وجود دارد. انسان مي‌تواند افعال خود را اختيار كند و اين بر اساس رابطه سلطنت است كه ماهيتاً با رابطه عليت متفاوت مي‌باشد. يعني تحت شمول «مالم يجب لم يوجد» نيست.

### آيات مصرّح بر اختيار بشر

در بعضي منابع، آياتي از قرآن ذكر شده‌اند كه صريحاً به اختيارداري انسان تأكيد كرده‌اند.

### منتج بودن تلاش‌هاي مصلحان اجتماعي

بعضي به گذشته تاريخي بشر اشاره كرده و گفته‌اند اگر انسان اختيار نداشت، افرادي پيدا نمي‌شدند تا براي اصلاح جامعه تلاش كنند و اتفاقاً مي‌بينيم كه موفق هم شده و تغييراتي را پديد آورد‌ه‌اند.

# تاريخچه بحث از اختيار

## خلفاي راشدين

### ابي بكر

در يك منبع روايتي ذكر شده كه خليفه اول عبارتي دال بر جبر بيان نموده است.

### عمر بن الخطاب

روايتي ديگر در همان منبع آمده كه خليفه دوم نيز جملاتي دال بر جبرگرايي داشته است.

## بني اميه

نخستين رسوخ رسمي نظريه جبرگرايي و نفي اختيار را اكثر منابع در عصر اموي مي‌دانند. دليل آن نيز سرپوش گذاشتن بر جنايات و منصرف نمودن مسلمانان از قيام دانسته شده است.

### مدعيان جبر

#### معاويه

در بسياري از منابع تأكيد شده است كه نخستين بيان رسمي در جبر از معاويه بوده است. از هر كدام از افراد ذيل‌الذكر نيز مطالبي دال بر جبرگرايي طرح شده است.

#### عمر بن سعد بن أبي الوقاص

#### جهم بن صفوان

#### ابوالحسن اشعري

#### وهب بن منبه

### طرفداران اختيار

علاوه بر اين‌كه از اميرالمؤمنين (ع) و ياران ايشان به عنوان مخالفين اصلي جبرگرايي ياد مي‌شود، نام افراد ديگري نيز ذكر شده است كه عليه جبرگرايي موضع گرفته بودند.

#### غيلان دمشقي

#### معبد جهني

#### حسن بصري

در نهايت، از 73 كتاب حوزوي، تعداد 295 عدد فيش استخراج شده است كه در ذيل 57 عنوان طبقه‌بندي گرديده‌اند و به نظر مي‌رسد تمامي مباحث مرتبط با بحث «اختيار» را در خود جمع كرده باشند. به نظر مي‌رسد اين فيش‌ها ظرفيت كافي براي توليد مقالات متعدّد در هر زيرموضوع را دارند، با توجه به اين‌كه هم منابع قديمي و هم جديد را شامل مي‌گردند.